

## باسمه سؤالات

چندین سوال در مورد مصوبه کنفرانس دوم

سازمان پیرامون ضرورت فعالیت در تشکلهای علنی و قانونی به نشریه کار رسیده است که خواستار توضیحات بیشتری در مورد نحوه فعالیت در این تشکلهای شده اند. در عین حال سوال شده است که آیا طرح این مسئله بدان معناست که جواختناق و سرکوب تخفیف خواهد یافت و یا اینکه با توجه به همسان شرایط سرکوب و اختناق مطرح شده است؟

ج: قبل از هر چیز لازم بتذکر است که بر

مسئله ضرورت فعالیت در تشکلهای قانونی و علنی کارگری نه فقط امروز و در مصوبه های کنفرانس دوم سازمان بلکه در قطعنامه های کنگره اول و کنفرانس اول نیز تاکید شده است، اما در قطعنامه کنفرانس دوم که به این امر اختصاص یافته تا کید بیشتری بر نیاز به فعالیت در تشکلهای قانونی و نیمه قانونی و علنی شده است. بنا بر این ضرورت فعالیت در این تشکلهای تحت هر شرایطی بقوت خود باقی است، اما بسته به شرایط مختلف را بطنه میان فعالیت مخفی و علنی متفاوت خواهد بود و یک سازمان پرولتری باید بتواند با توجه به شرایط معین تلفیق صحیحی میان فعالیت علنی و غیر علنی، قانونی و غیر قانونی پدید آورد. در ایران بر افتادن جواختناق و سرکوب مستلزم بر افتادن دیکتاتوری عربیان و عنان گسیخته حاکم و لاجرم بر افتادن جمهوری اسلامی است. بنا بر این آنچه که در مصوبه کنفرانس دوم سازمان بیان گردیده با توجه به این حقیقت است، یعنی علیرغم شرایط سرکوب و اختناق حاکم، سازمان ما در عین حال که بنای فعالیت خود را بر کار غیر قانونی و غیر-علنی قرار داده است، بر ضرورت فعالیت در تشکلهای قانونی و نیمه قانونی، علنی و نیمه علنی و نیز سازماندهی یک چنین تشکلهایی تاکید کرده است. در این مسئله جای هیچگونه بحث و تردیدی نیست که یک سازمان پرولتری یعنی سازمانی که بر مبنای اصول لنینی حزب بنا شده باشد، سازمانی است مخفی و پنهانکار. در جامعه سرمایه داری شرایط میتواند تغییر کند، برداشته فعالیت علنی و قانونی افزوده شود یا بالعکس از دامن فعالیت کاسته شود، اما همه این تغییر شرایط در این واقعیت است تغییر پدید نمی آورد که هسته اصلی سازمان پرولتری تحت هر شرایطی مخفی است. تنها یک چنین سازمانی میتواند بصورت یک سازمان رزمنده کمونیستی و ادامه کار باقی بماند و تحت هر شرایطی وظایف خود را در زمینه تبلیغ و ترویج و سازماندهی طبقه کارگران انجام دهد. اما این حقیقت نا فسی فعالیت علنی نیست. یک سازمان پرولتری برای اینکه بتواند در میان توده های وسیع کارگر ریشه بدو اندوی آنها پیوند نزدیکی داشته باشد و آنها را سازماندهی کند نمی تواند فقط به فعالیت مخفی در صفحه ۱۵

### پاسخ به سوالات

وتشکلهای مخفی متکی باشد بلکه لازم و ضروری است که در تشکلهای قانونی و علنی نیز فعالیت نماید. اگر یک سازمان پرولتری که در اساس سازمانی مخفی و پنهانکار است تنها به فعالیت مخفی و غیرقانونی بسنده کند، تماس و پیوند نزدیک خود را با توده های وسیع کارگران دست خواهد داد و بالنتیجه نخواهد توانست وظیفه خود را در امر سازماندهی و رهبری پرولتاریا انجام دهد. در عین حال از آنجا که یک چنین تشکیلاتی توسط یک شبکه از سازمانهای توده ای علنی و قانونی احاطه نشده است، امکان ضربه خوردن آن در برابر یورش های پلیس بیشتر خواهد شد. از اینروست که هر سازمان پرولتری تحت هر شرایطی باید توانمند و تلفیق صحیحی میان کار مخفی و علنی، قانونی و غیرقانونی پدید آورد. مادر اینجا باید تا حدی که برخلاف پورتونستها، روح حاکم بر فعالیت قانونی و علنی کمونیستها، همان است که در فعالیت غیرقانونی و غیرعلنی است. آنها از اصول و معیارهای انقلابی و کمونیستی خود عدول نمیکنند و فعالیت قانونی بتندی سازماندهی و اجرا میکنند. کمونیستها فعالیت علنی خود را در جهت پیشبرد وظایف انقلابی خود قرار میدهند و برای اینکه از طریق فعالیت علنی، هسته و بنیاد مخفی سازمان پرولتری بخطر نیفتد، باید دستگامی جداگانه برای فعالیتهای علنی خود پدید آورند. دستگامی که در حقیقت شاخک های ویژه حسی این سازمان پرولتری در همه مجامع و نهادهای قانونی و علنی محسوب میگردند. هیچگونه تردیدی نیست که در ایران دیکتاتوری عربیان و عنان گسیخته فقط کارگران را از تشکل در اتحادیه های کارگری محروم نموده و اساساً چیزی بنام اتحادیه کارگری وجود ندارد بلکه رژیم می کوشد هر تشکل کارگری را در نطفه خفه کند، اما همانگونه که تجربه در سرانجام نشان داده است، هر آنچه که بورژوازی به اختناق و سرکوب روی بیاورد بر سر راه تشکل های کارگری مانع ایجاد کند، این وجود نمی تواند مانع تمرکز و تشکل کارگران گردد. کارگرانی که در گروه های دهها، صدها، هزاران و دهها هزار نفره در کارخانه ها متمرکز شده اند، اشکال خاص سازماندهی خود را منطبق بر شرایط خاص پدید می آورند. در ایران نیز هر چند که طبقه کارگران زدیکتا توری و اختناق حاکم لطمات جدی دیده است و این خود مانع عمده ای بر سر راه تشکل و آگاهی این طبقه محسوب می گردد، اما کارگران ایران نیز نشان داده اند که میتوانند اشکال خاص تشکل خود را حتی در شرایط سرکوب و اختناق پدید آورند. سازمان ما نیز که وظیفه خود را تبلیغ و ترویج و نیز سازماندهی و رهبری طبقه کارگر قرار داده است برای اینکه بتواند خود را بصورت یک تشکیلات مستحکم در میان کارگران استوار سازد نه فقط با پیشه مخفی تشکیلات را در کارخانه ها و

محلات کارگری و زحمتکش نشین پدید آورد بلکه باید بتواند در تشکل های قانونی و نیمه قانونی که امکان حضور توده ای کارگران وجود دارد، فعالانه شرکت نماید و حتی در سازماندهی آنها نقشی فعال ایفاء نماید.

برای انجام این امر، بخشی از حوزه های تشکیلات ما باید بتواند با تسلط بر فن استفاده از ابزارهای قانونی، بدون اینکه هویت تشکیلاتی خود را فاش سازد علناً در تشکلهای قانونی کارگری فعالیت نماید و با صرفاً انرژی و نفوذ ایدئولوژیک و معنوی بر کارگران، نقش رهبری را در این سازمانها بدست آورند. نمی توان انکار کرد که امکان ضربه خوردن از طریق فعالیت علنی بسیار بیش از فعالیت مخفی است، اما هر کس که بدستی فن مبارزه علنی در تشکلهای علنی و قانونی را آموخته و بر آن تسلط یافته باشد میتواند بدون آنکه در معرض ضربه تالیس قرار گیرد و وظیفه انقلابی خود را انجام دهد. هم اکنون کم نیستند عناصر آگاه و پیشرو کمونیستی که سالهای متمادی در میان کارگران فعالیت کرده و فعالیت در تشکلهای قانونی و علنی و وظیفه کمونیستی خود را انجام می دهند، اما هیچگاه پلیس به آنها مشکوک نشده است و بالعکس گروه کثیری نیز بوده اند که در اولین گام های فعالیتها علنی خود بعلت عدم آشنائی با فن فعالیت علنی در تشکلهای علنی و قانونی، برخورد های ناشیانه و فاش ساختن هویت تشکیلاتی و وابستگی سازمانی خود به دام پلیس افتاده اند.

خلاصه کلام اینکه، در ایران نیز برغم شرایط سرکوب و خفقان و با وجود دشواریهای عظیمی که بر سر راه فعالیت کمونیستها وجود دارد، میتوان و باید نه فقط در تشکلهای قانونی و علنی (البته آنهاست که به ابزار سرکوب کارگران تبدیل نشده اند) فعالیت کرد بلکه نقش مهمی در سازماندهی چنین تشکلهای برعهده گرفت. بنا بر این دقیقاً از زاویه نقش و همیتی که این تشکلهای در زمینه سازماندهی کارگران و ادامه کاری و استحکام تشکیلات در میان کارگران دارا هستند در مصوبات کنفرانس دوم و لایرا این مسئله تأکید شده است که استحکام و ادامه کاری حوزه های مخفی حزبی در محصل کار و زندگی کارگران منوط به این است که توسط یک شبکه از حوزه های علنی کار، تشکلهای علنی و قانونی احاطه شده باشند. تا نیا سلولهای حزبی با یادتوانند در تشکلهای علنی که در شرایط کنونی موجود هستند نظیر تعاونی های کارگری، مجامع و جوامع کارگری، کلوبها و کانونهای ورزشی و فرهنگی کارگری و در آن حدود بسیار محدودی که هم اکنون سندیکا وجود دارد و خلاصه هر امکان علنی و قانونی که بتواند سازماندهی کارگران را تسهیل نماید فعالانه شرکت کنند و در سازماندهی تشکلهای قانونی، نیمه قانونی، علنی و نیمه علنی نقشی فعال ایفاء نمایند.

## زنده باد سوسیالیسم